

دكتور م. پكتياوال

به مناسبت هشتاد و هفتمين سالگرد استرداد استقلال ملي افغانستان

حلول ۸۷ مين سالگرد جشن استرداد استقلال ملي افغانستان عزيز را به همه
افغانان ميهنپرست و قهرمان شادباش گفته و اميدواريم تا در استقرار و تحکيم
آن کماکان بکوشيد!!!

سرزمين استراتيژيک و جيوپوليتک، آريانا، خراسان و افغانستان عزيز بار بار از
جانب اشغالگران خارجي، به پشتيباني و طن فروشان داخلي افغاني تحت تجاوز قرار
گرفته، ديري نگذشته که در اثر استقلال طلبي ملي مردمان اين خطه قهرمان و
مبارز، دشمنان اشغالگر و نماينده گان آنان را سرکوب و به حصول استقلال ملي و
اتحاد ملي خودها نایل و توصل ورزیده است. بعد اشغال هندوستان انگليسهها بار
بار تلاش کرده تا استقلال ملي و تماميت ارضي افغانستان را خدشه دار نموده و
آن را با استعمارکشاند. قبل از حمله بر افغانستان کنوني در اثر تجاوز انگليسيها و
پيرواني پنجابي آنان، معامله گران وطن فروش همان زمان، اميران افغاني قسمت
از خاک افغانستان از پيکر آن جدا و تحت استعمارشان قرار داده است.

جنگ اول افغان و انگليس:

در سال ۱۸۳۹ ميلادي برابر به ۱۲۱۸ خورشیدی انگليسهها به بهانه به تخت نشاندن
دوباره شاه شجاع همراه با قشون منظم وارد افغانستان شدند

انگلیسها در هفتم اگست ۱۸۳۹ میلادی وارد کابل گردیدند، افغانها با ماهیت پلانیهای انگلیسها در افغانستان آشنا شده و به قیام ملی علیه آنها آغاز کردند در سال ۱۸۴۱ میلادی آتش قیام مردم افغانستان مشتعل گردیدند و مبارزان افغانی با انجام قیام پیروزمندانه، انگلیسها را لرزه بر اندام نموده و آنها مجبور شدند به امضای معاهده مبنی بر ترک افغانستان تن در دهند و آنها به تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۸۴۱ میلادی این معاهده را امضا کردند

به تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۸۴۱ میلادی مکناتن نماینده خاص و فوق العاده انگلیسها در افغانستان به خاطر مقاومت لجوجانه در برابر رهبران قیام افغانها توسط مردم مبارز و قهرمان افغان وزیر محمد اکبرخان کشته شد.

انگلیسها به تاریخ ششم جنوری ۱۸۴۲ میلادی به تخلیه افغانستان پرداختند، قشون انگلیس در وقت حرکت از کابل دوهزار شتر باربر و شش روزه آذوقه داشتند، آنها در مسیر راه عهدشکنی نمود و مورد حملات مبارز و قهرمان افغان قرار گرفتند، که از سپاه منظم انگلیس صرفاً داکتر نیمه جان برآیدن توانست خود را نزد جنرال سیل انگلیسی برساند. اما با تأسف امیر همان وقت به دستور انگلیسها که خود نماینده آنها بود وزیر غازی محمد اکبرخان، نایب امین الله خان لوگری، محمدشاه خان غلجایی و هزارها افغان مبارز و قهرمان را به شکنجه های گوناگون از بین بردند.

جنگ دوم افغان و انگلیس:

مردم قهرمان افغان بعد از خروج قشون انگلیس از ۱۸۴۲ تا ۱۸۷۸ میلادی سی و پنج سال در متارکه گذشتانند، و طی این سی و پنج سال متارکه انگلیسها

برای هجوم دیگر بالای کشور افغانستان آماده گی میگرفتند و این پلان شوم خود را در سال ۱۸۷۸ میلادی عملی نمودند؛ آنها در ۲۱ نوامبر همین سال از سه محاذ، قندهار، کورم، و محاذ خیبر بالای افغانستان تجاوز کردند. قشونی که در محاذ قندهار تجاوز کرده بود، از دو فرقه عبارت از دوازده هزار و نه صد عسکر و نود توپ بود، که یک فرقه احتیاط مشتمل بر ۶۶۰۰ عسکر و ۱۸ توپ دار در عقب خود داشتند، بعدها این فرقه نیز وارد قندهار شد و تعداد مجموع قشون مهاجم به ۱۹۵۰۰ عسکر و ۱۰۸ توپ رسید؛ سر افسر قشون انگلیس در قندهار جنرال ستورات بود؛ ستون مهاجم کورم ۱۵۰۰۰ عسکر تحت قوماندۀ جنرال رابرتس و ستون متجاوز خیبر با قوای احتیاط خود مشتمل بر ۲۵ هزار عسکر زیر امر و قوماندۀ جنرال براون قرار داشت که مجموع عساکر تجاوزگر به افغانستان در هجوم دوم به شصت هزار عسکر میرسید

قیام مردم مبارز و قهرمان افغان به تاریخ سوم سپتامبر ۱۸۷۹ میلادی آغاز شده، در همین تاریخ مردم جانب سفارتخانه انگلیس مارش نمودند. قیام کننده گان داخل سفارت اشغالگر شدند و سرکرده شان کیوناری و بقیه افراد انگلیس را کشتند و عمارت سفارت آنها را با بیرق آن آتش زدند و خاکستر شدند

انگلیسها برای سرکوب قیام کننده گان افغانی، رابرس را با یک فرقه عسکر و یک درجن جنرال آماده حرکت به کابل شدند، این قشون هم مورد حملات شدید قیام کننده گان افغانی قرار گرفتند و با تلفات فراوان مواجه شدند و تعداد مجموعی انگلیسها به بیست هزار نفر که دارای ۴۶ توپ بودند میرسید

در دسامبر ۱۸۷۹ میلادی قیام عمومی مردم افغانستان همه نقاط کشور را فراگرفت مجاهدین وطنپرست و مردم ضرباتی را به پیکر قشون تجاوزگر انگلیس

وارد نمودند. غلام حیدرخان چرخي، ملامشک عالم خان اندر، میریچه خان کوهدامنی، محمدجان خان وردکی و هزاران مبارز قهرمان با جسارت افغانی قیام را رهبری نمودند. انگلیسها هیچ گاه ضربات در سراسر افغانستان و کابل در بنی حصار، قلعه قاضی، سیاسنگ شیرپور و دیگر نقاط کابل فراموش نخواهد کرد. در گرماگرم قیام دوم افغانها که حماسه میوند پدید آمد، جنگ میوند که در جولای ۱۸۸۰ میلادی به وقوع پیوست، افغانها انگلیسها را در لندن به لرزه درآوردند، از مجموع قشون انگلیسی صرفاً ۲۵ تن آنها فرار نمودند، باقی همه توسط مجاهدین میهنپرست افغان به قتل رسیدند، در این جنگ حماسه های غازی وزیر محمدایوب خان و ملالی دلیر جاودانی شدند. افغانها باری انگلیسها را از وطن راندند ولی سرنوشت رهبران فوق الذکر افغانی از جانب امیر دست شانده انگلیس در افغانستان باری به دستور آنان با شکنجه های مختلف مواجه شدند.

جنگ سوم افغان و انگلیس:

با به قدرت رسیدن امیر امان الله خان غازی، او خواست تا استقلال افغانستان از جانب انگلیسها به رسمیت شناخته شود و دیگر به مداخله در امور کشور افغانستان پایان دهند، این امیر آزادیخواه در بیانیه یی که در برابر مردم خویش ایراد کرد از افغانستان آزاد و مردم سربلند آن نام بردند. با اباورزیدن انگلیسها از خواست مشروع افغانی امیر غازی جهاد را علیه انگلیسها اعلام و قیام مردم افغانی علیه انگلیس آغاز گردید، انگلیسها که فاتح عمده جنگ جهانی اول حساب میشدند این بار هم خواستند با زور سلاح اراده مردم غیور افغانی را درهم شکنند، اما افغانهای قهرمان در جبهه های مختلف علیه انگلیسها جنگیدند. در محاذ خیبر قشون انگلیس عبارت بودند از یک فرقه پیاده پشاور، ۱۴ کندق با یک گند سواره، ۳ کندق، ۶۶ توپ، ۱۰۴ ماشیندار، چند فروند طیاره بم افگن ۴

تولی مینگذار، یک کندک پیشقراول با دو فرقه پیاده احتیاط عقبی، ۲۸ کندک و دو لوای سواری، اما قوای افغانی با سلاح و مهمات چندین مرتبه کمتر، ولی با اراده قوی در برابر انگلیسها برخاسته بودند. محاذ چترال، قندهار، پکتیا، وزیرستان، پیواروئل بخشهای دیگر جبهه جنگ بودند که افغانها با دلآوری در برابر انگلیسها مقاومت نمودند. در ۱۹۱۹ میلادی مطابق ۲۸ اسد ۱۲۹۸ خوشیدی متارکه اعلان و آزادی افغانستان به رسمیت شناخته شد، اما مسأله معاهده ننگین گندمک در سال ۱۲۵۸ خوشیدی برابر به ۱۸۷۹ میلادی و دیورند در سال ۱۲۷۲ خوشیدی مطابق ۱۸۹۳ میلادی لاینحل ماندند؛ باید علل آن دقیقاً بررسی و مشخص گردد. افغانها هر سه جنگ را علیه انگلیسها با ابتدایی ترین سلاحها حتی با سلاحهای دست داشته و خودساخته خود از قبیل: چاقو، سیلاوه، پیش قبض، شمشیر، تفنگهای دهن پُر و غیره پیش بردند؛ در حالی که دشمن با عصری ترین اسلحه مجهز بودند، سبب پیروزی مردم افغانستان آزادی و استقلال افغانستان بود که افغانها را با موفقیت رساندند.

اکنون و حالا هم افغانستان عزیز تحت نام تأمین عدالت اجتماعی، حقوق بشر، آزادی، بازسازی و رشد انکشاف امور اجتماعی و اقتصادی، تأمین امنیت و غیره از اجنبیها تحت تجاوز قرار گرفته است! آنها قبلاً بنیادگران را به خاطر اشغال و استعمار افغانستان و محو ترقی و مساوات پرورش و تنظیم کرده بودند، ولی در شرایط دیگر با آنها نیاز رفع گردیده، در محو و نابودی آن به نام بیعدالتی و عدول از حقوق بشر و غیره مدعی گردیده است.

اگر حقیقتاً قوتهای نظامی ناتو به غرض مرعی داشتن ادعای فوق ذکر به افغانستان آمده است پیشنهاد میگردد تا:

۱- میعادِ برگشت و تخلیهٔ افغانستان را تعیین و مشخص نموده و به مردم رنج‌دیده و بلاکشیدهٔ افغانستان این نیت خودها را ارایه بدارند،

۲- باید حقیقتاً به صورت عملی طی منابع کمکه‌های خویش و منابع افغانی بازسازی و رشد انکشاف اجتماعی و اقتصادی توسط سیستم مختلط اقتصادی به صورت متوازن در همه رشته‌ها؛ سکتورها و مناطق افغانستان به عمل آید، تا مردم از نیت آنها آگاه و مردم از دولت جمهوری اسلامی راضی و جلو تجاوز مخربان را بگیرند،

۳- در مورد منع کشت، استعمال و صدور مواد مخدره باید از سیستم بدیل به وسیلهٔ اعمار بندها، کانالها، کاریزها و غیره برای زرع زمینهای لامزروع و بلند آبه، و توزیع آن به مردم مستحق طی کوپراتیفهای زراعتی، مالداري، جنگلداری، ساختمانی، صنعتی و غیره توأم با اعطای کریدتهای سهل بانکی و غیره تا این موسسه‌ها به غرض تهیه، خریداری تخنیک، کودکمیایی، ادویهٔ ضد آفتها و غیره را به کار برند،

۴- به غرض اعمال و تأمین عدالت اجتماعی و امنیت ملی قوت‌های مسلح ملی افغانی به اساس دوره‌های مکلفیت به خاطر عوض قوتهای نظامی ناتو در افغانستان آغاز و تمام ارگانهای تشکیلاتی، علمی و تعلیمی آن احیا و انکشاف یابد،

۵- سیاست عنعنه‌یی مثبت عدم انسلاک با پیروی صلح و همزیستی با همسایه‌گان و دولت‌های سراسر جهان با تأمین حقوق بشر و دموکراسی حقیقی ملی، و منشور ملل متحد، کنفرانس اسلامی و جنبش عدم انسلاک به عمل آید، و هم

معاهده های ننگین و شوم گندمک در سال ۱۲۵۸ خورشیدی برابر به ۱۸۷۹ میلادی و دیورند در سال ۱۲۷۲ خورشیدی مطابق به ۱۸۹۳ میلادی- ترک و رد گردد،

۶- برای حل منازعه فی مابین افغانستان و پاکستان پیشنهاد میگردد تا رهبری نظامی ناتو، دولت اسلامی افغانستان و دولت پاکستان با اشتراک احزاب و سازمانهای ملی و محلی صوبه سرحد و بلوچستان تصمیم جدی اتخاذ نمایند، تا بیش از چهارده هزار مدارس که در آن بیش از یک و نیم میلیون طالب تدریس مینمایند، را جستر و تحت تدریس علوم مدنی و کنترل همه جانبه قرار داده شوند و نگذارند تا مخربان بنیادگرا را به افغانستان اعزام بدارند. این و دیگر طریقه هایی اند تا باعث استقرار صلح در افغانستان گردیده، **هیچ گاه در طول تاریخ افغانستان توسط جنگ و قتل صلح به میان نیامده است.**

در پایان باری ۸۷ مین سالگرد استرداد استقلال افغانستان عزیز را به شما افغانان آزادیخواه و دموکرات ملی تبریک گفته و امیدواریم تا هرچه زودتر صلح و امنیت ملی با رشد و انکشاف امور اجتماعی و اقتصادی توأم با ثبات سیاست مثبت عدم انسلاک در افغانستان به میان آید

www.ayenda.org